



ارزیابی و تحلیل قلمروپایی محله؛ نمونه موردی محله‌های بافت‌های اصفهان

ستاره آقابییگی*^۱، علی‌اکبر امینی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه کاشان، s.aghabeigi33@gmail.com

۲- دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، amini_architect@yahoo.com

چکیده

قلمرو مفهومی غیر عینی و نوعی مرزبندی مکانی ذهنی است که افراد بر آن حس تملک و تدافع در مقابل متجاوزان به حریم آن را دارند. قلمروپایی در محله‌ها می‌تواند باعث ایجاد امنیت، ارضای حس تعلق و هویت در افراد و افزایش کنترل، خلوت، صمیمیت و امنیت در محله گردد. یکی از راه‌حل‌ها برای افزایش کیفیت محله این است که در مناطق عمومی با استفاده از تمهیداتی در طراحی، ساکنین محله آنجا را قلمروی ثانویه به حساب بیاورند، این است که خود افراد محله بر روی آن کنترل داشته باشند و حتی با شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری، آن فضا را بازرسی و مراقبت کنند. در معماری محله‌های سنتی ایرانی، این موضوع به صورت موفقیت‌آمیزی انجام می‌شده است که در این پژوهش با بررسی آن‌ها از طریق نرم‌افزار UCL-depth map و روش نحو فضا (Space Syntax)، نقشه‌های گرافیکی و داده‌های استخراج‌شده را تحلیل و موردبررسی و مقایسه قرار می‌دهیم. طبق نتایج به دست آمده نحوه چیدمان توده و فضا و سلسله‌مراتب بین آن‌ها در محله‌های سنتی، عوامل ایجاد احساس قلمروپایی است که با خیابان‌کشی‌های شطرنجی و بدون توجه به بسترشان، این سلسله‌مراتب دچار آشفتگی شده و متروکه شدن بافت‌ها در مرور زمان خلوت را به عنوان یک عامل مثبت به یک عامل منفی مبدل گردانده که باعث ایجاد مکان رفتارهای نامناسب و عدم امنیت شده است.

واژه‌های کلیدی: محله، قلمروپایی، اسپیس سینتکس (نحو فضا)، بافت

۱- مقدمه

محله نوعی جامعه انسانی، در مقیاس میانی است که واحد خانواده را به واحدهای بزرگ‌تر شهری و ملی پیوند می‌دهد. پیدایش محله از نیازهای انسان‌ها به همکاری برای بقا، تأمین امنیت، جلب حمایت و دوستی، احساس همبستگی و همدلی، اشتراک فرهنگی و... سرچشمه می‌گیرد که با روابط چهره به چهره، مستقیم، پایدار و صمیمی همراه است. [۱] سکونت‌گاه‌ها از بدو تمدن به صورت جمعی و دسته‌ای ایجاد شده‌اند چراکه علاوه بر تأمین امنیت و بقا بخشی از هویت انسان در محیط جمعی شکل می‌گیرد. بنابراین قسمتی از تأمین مسکن به تأمین مناسب نیازهای روانی و اجتماعی ساکنین بازمی‌گردد و طراحی و توجه به بخشی از آن یعنی صرفاً خود واحد مسکونی، باعث ایجاد خلل در پاسخگویی به آن‌ها می‌گردد و مسکن را در جهت تأمین نیازهای فیزیکی پیش می‌برد نه به عنوان فضایی برای رشد و نمو شخصیت ساکنین. پاسخ‌های متفاوت به این نیازها نیز می‌تواند نتایج متفاوتی در رفتارهای افراد داشته باشد زیرا همان‌طور که لنگ در این رابطه بیان می‌دارد "مردم برای پاسخ به تمایلات خود به محیط رجوع می‌کنند و بعضی محیط‌ها ممکن است به تمایلات نهفته یا ناخودآگاهی که با قابلیت‌ها یا الگوی ویژه‌ای از محیط بروز می‌کنند پاسخ‌گویند." از طرفی محلی ساختن امکانات و تسهیلات به تماس چهره به چهره بیشتر بین



مردم، شرکت بیشتر در امور اجتماعی و در نتیجه ناهنجاری اجتماعی کمتر و روابط اجتماعی بهتر منجر می‌شود و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که طراحی و قابلیت‌های آن در ادراک مردم از کیفیت محیط مؤثر است. [۲]

در قرن معاصر موضوع رابطه انسان و محیط و قابلیت ترجمه آن به زبان طراحی محیط و معماری، مورد توجه پژوهشگران این حوزه از دانش بوده است. در این راستا شناخت انسان و ویژگی‌های محیط زندگی او و چگونگی برقراری رابطه میان این دو عامل اهمیت دارد. محیط می‌تواند حتی بعد از آن که ما آن را ترک گفتیم، بر حالات خلقی ما اثر بگذارد و تأثیر خلق در حافظه عاطفی و عملکرد تکالیف شناختی و خلاقانه به اثبات رسیده است. همچنین فشار روانی ناشی از تعامل میان رویدادهای بیرونی، شناخت‌ها و پاسخ‌های هیجانی است. [۳] از طرفی برخی صاحب‌نظران معتقدند، نقش عناصر استخوان‌بندی محله در ترکیب کلی مانند نقش نت‌های موسیقی در یک دستگاه موسیقایی است و آهنگی که از ترکیب توده و فضا در فضای محله ایجاد می‌گردد، تأثیری مستقیم بر ساکنان یا عابران محله داشته و آنان را به هم‌آوایی و هماهنگی با خود وامی‌دارد و جزئی از این فضای آهنگین می‌کند و احساس و تجربه‌ای که از این مشارکت حادث می‌شود، نمایانگر کارایی نیروهای ساطع‌شده از توده و فضا بوده و خاطره‌انگیز می‌شود. [۴] بنابراین باهدف قرار دادن محله به‌عنوان پایه‌ای‌ترین فضای ساختار شهری و اجتماعی بررسی عوامل آسایش روانی در آن می‌توان بخشی از هویت ساکنین محله را ارزیابی و در اصل تأثیرات محیطی محله بر آن ساکنین را شناسایی و در جهت رفع تأثیرات منفی و افزایش تأثیرات مثبت عوامل شکل‌گیری‌شان، آن‌ها را تغییر داد. عدم توجه به برآوردن پاسخ‌های صحیح محیطی در محله می‌تواند ضررهای جبران‌ناپذیر روانی و حتی جسمی ایجاد کند چراکه رابطه انسان با محله‌ای که در آن زندگی می‌کند رابطه تنگاتنگی است و این موضوع اهمیت محله و توجه به آن را دوچندان می‌کند. یکی از عوامل ارزیابی محله در راستای پاسخگویی به نیازهای روانی-اجتماعی، عامل قلمروپایی است. عاملی ذهنی که وابسته به ساختار فضایی محله است و میزان و نحوه ارتباطات و دسترسی‌ها و دنج بودن این قلمروی ذهنی و فیزیکی را برقرار می‌کنند.

درواقع نیاز به شخصی‌سازی و علامت‌گذاری قلمرو، از جنس نیازهای عالی محسوب می‌شود که پس از ارضای نیازهای اولیه حائز اهمیت هستند. خصوصی‌سازی یا علامت‌گذاری مکان یا شیء نشان می‌دهد که آن مکان یا شیء «از آن» فلان فرد یا گروه است. کاربرد خصوصی‌سازی و مالکیت در نظارت بر تعامل اجتماعی و نشان دادن واکنش‌های دفاعی در صورت تجاوز به مرزهای قلمرو هست. نقش قلمروها تسهیل تعامل اجتماعی و تثبیت نظام اجتماعی هست. [۵] قلمروها باید طوری طراحی شوند که افراد بتوانند نوع آن و مدت‌زمان مالکیت آن‌ها را تشخیص دهند. [۶]

در گذشته محله واحد اصلی روابط اجتماعی بود و در ساختار کالبدی-فضایی شهرهای گذشته ایران از عناصر اصلی محسوب می‌شدند. چراکه این ساختار بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه یعنی مرکز شهر و مراکز محلات از طریق یک‌رشته فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده، گذرها و میدان‌ها استوار بوده است و هم‌محله‌ای بودن نوعی ارزش محسوب می‌شد و گونه‌ای تعهد برای هریک از افراد محله برای حمایت از سایر افراد محله خود ایجاد می‌کرد. [۱] هر محله از لحاظ فضایی نیز دارای قلمرو و حریم مشخصی بود که تقریباً برای تمامی ساکنین شناخته‌شده بود و ضمن آن که توسط یک‌راه اصلی خود را به بازار شهر یا امتداد راه اصلی منتهی به بازار وصل می‌کرد، به همان ترتیب خود را از فضای عمومی و پرتحرک آن دورنگه می‌داشته است. [۷] اما امروزه محله‌ها با برنامه‌ریزی صرفاً فیزیکی پاسخگوی نیازهای پایه (پایین‌ترین بخش هرم مازلو) هستند که بر اساس معیارهایی همانند شعاع دسترسی به برخی خدمات، جمعیت و با محوریت خیابان طراحی و اجرا می‌گردند و با شبکه‌های منظم و شطرنجی خود، گونه‌ای عاریه‌ای از مفاهیم محله‌های غربی بوده که بدون توجه به هویت فرهنگی و سازمان فضایی محلات ایرانی در گذشته، ساخته می‌شوند. این تغییرات حاصل تغییر روند شهرسازی پس از دوران تغییرات در دوره پهلوی اول و در راستای تفکر مدرنیته در جهان صورت گرفت و خانه، محله و مفهوم آن‌ها را به ماشین‌هایی جهت زندگی مبدل نمود و از واقعیت توجه به روان و نیازهای فرا فیزیک انسان‌ها به دور ساخت. بنابراین بررسی محله‌های قدیمی که اکنون آثار آن‌ها را در بافت‌های شهری شاهدش هستیم، می‌تواند در شناخت ساختار کالبدی-فضایی در ارتباط با موفقیت آن‌ها در ایجاد فضای محله‌ای پویا و اجتماع‌پذیر بسیار تأثیرگذار باشد. در این مقاله به بررسی و تحلیل قسمت‌هایی از بافت‌های شهر اصفهان



را که تا حدی کمتر دچار تغییرات گشته‌اند، پرداخته می‌شود و عامل قلمروپایی را در آن‌ها از طریق تکنیک اسپیس سینتکس (Space Syntax) در قالب نرم‌افزار Depth Map که تکنیکی بر اساس تحلیل ریاضی و گرافیکی است و رفتارهای انسانی و فعالیت‌های اجتماعی را از جنبه‌ی پیکره‌بندی فضایی تحلیل می‌کند، بررسی می‌کنیم. در نهایت امر این سؤالات مطرح می‌شوند که:

قلمروپایی چیست و میزان اهمیت این عامل در کیفیت محله به چه میزان است؟
قلمروپایی از طریق نحو فضا (اسپیس سینتکس) و شاخصه‌های آن به چه صورت ارزیابی می‌شود؟
قلمروپایی در محله‌های قدیمی در بافت اصفهان به چه میزان بوده و از چه طریقی حاصل می‌شده است؟

۲- پیشینه تحقیق

نظریه‌ی نحو فضا از بیل هیلیر، پرفسور دانشگاه بارتلت لندن است که قصد داشت بفهمد چرا مسکن اجتماعی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در بریتانیا به‌درستی و آن‌طور که انتظار داشتند، پیش رفت و حس اجتماعی در آنجا توسعه نیافت. به همین دلیل قصد داشت ابزاری برای توصیف و تجزیه و تحلیل نحوه‌ی تعامل چیدمان مسکن با فضای در دسترس آن بیابد. هیلیر به همراه هانسون کتابی به نام منطق اجتماعی فضا نوشتند و این ایده را گسترش دادند. [۸] نحو فضایی یک نظریه است که برای شناسایی انواع ویژگی‌های فضایی پنهان در الگوهای فضایی پدیدار شده است، هدف آن کشف هم ساختار رابطه‌ای فضا است و هم روشی که شامل روش‌های مبتنی بر علمی، دیجیتالی و گرافیک است. از نظر هیلیر و جانسون معنای اجتماعی محیط از ترکیب فضایی ناشی می‌شود، و ساختار توپولوژیکی محیط عنصر اولیه‌ای است که جامعه به‌وسیله آن نقش‌هایی را برای توسعه برخی از انواع روابط اجتماعی ایجاد می‌کند. بنابراین، الگوهای فضایی محیطی ساخته‌شده، الگوهای اجتماعی را در خود جای داده و شکل می‌دهند. [۹] در این زمینه و با این روش مطالعات و تحقیقات بسیاری در سراسر جهان انجام شد.

در ایران نیز استفاده از این روش به‌عنوان روشی نوین جهت ارزیابی ساختارهای فضایی بخصوص در زمینه‌ی شهری روبه افزایش است و از این‌رویش گاهی در یافتن تغییرات رخ داده در ساختار فضایی شهرها و خانه‌ها در طی دوران مختلف زمانی استفاده می‌شود مانند ایزدی و شریفی [۱۰] که تأثیرات طرح کارل فریش بر پیکره‌بندی ساختار فضایی بافت قدیمی شهر همدان را با استفاده از همین روش در چند دوره‌ی تاریخی مورد بررسی قرار داده و مقایسه کرده‌اند. صادقی و دیگران [۱۱] تأثیر طرح‌های توسعه شهری معاصر بر ساختار فضایی هسته تاریخی شمال شهر اصفهان را در چهار دوره‌ی تاریخی بررسی کردند و شاخص‌های نحو فضا را در آن‌ها با یکدیگر مقایسه نموده‌اند. یزدانفر و دیگران [۱۲] ساختار فضایی شهر تبریز در محدوده‌ی بارو را با تکنیک اسپیس سینتکس مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. دسته‌ای دیگر از محققین به بررسی عواملی که از طریق اسپیس سینتکس امکان بررسی و مقایسه آن‌ها وجود دارد، می‌پردازند. درواقع مفاهیمی که از طریق شاخصه‌هایی را که با اسپیس سینتکس (نحو فضا) می‌توان تحلیل کرد؛ مانند زارعی و یگانه [۱۳] که ارتباط همگنی و توزیع‌پذیری با پایداری روابط اجتماعی در فضاهای خانه‌های سنتی ایران را با استفاده از این‌رویش تحلیل نموده‌اند. جعفری بهمن و خانیان [۱۴] نیز از طریق اسپیس سینتکس طرح‌های جامع را از دیدگاه رفتاری مشکل‌یابی و آن‌ها را با وضع موجود در محله‌ی کبابیان همدان مقایسه کردند. کلانتری و دیگران [۱۵] هم ارتباط میان ساختار فضایی و رفتار حرکتی کاربران به روش چیدمان فضا را در نمونه‌ی موردی پردیس مرکزی دانشگاه تهران را تحلیل کرده‌اند. نمونه‌های بسیار دیگری در ایران کار شده است که دسته‌بندی عمده آن‌ها در موارد ذکر شده است. در رابطه با قلمروپایی نیز پژوهشگرانی از قبیل یگانه و دیگران [۱۶] در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهر، خیابان ولی‌عصر را مورد بررسی قرار داده‌اند. بمانیان و دیگران [۱۷] نیز به تبیین رابطه‌ی خوانایی فضا با میزان قلمروپایی شهروندان در پارک‌های شهری پرداخته‌اند و از روش توصیفی و تبیینی در آن استفاده کرده‌اند. جم و محمدی [۱۸] نیز در پژوهشی امنیت زنان و قلمروگرایی در محله‌ای سنتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. معتضدیان و مطلبی [۱۹]، عینی فر و لطیفی [۱۹] و پژوهشگران دیگر نیز به‌صورت موردی قلمروپایی را در خوابگاه، مجتمع مسکونی و .. مورد بررسی قرار داده‌اند. اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های



بررسی شده از تکنیک اسپیس سینتکس برای بررسی قلمروپایی و تحلیل آن استفاده نکرده‌اند و استفاده از این تکنیک و این مفهوم در کنار یکدیگر می‌تواند دیدگاه جدیدی در مباحث قلمروپایی و همچنین اسپیس سینتکس ارائه کند.

۳- مبانی نظری

۳-۱-SpaceSyntax (نحو فضا)

نحو فضایی روشی جدید برای مدل‌سازی علمی شهرها است که منجر به نظریه‌ی علمی جدیدی از شهر شده است. اگر این نظریه را بپذیریم، درک ما از شهرها را تغییر می‌دهد و به ما می‌گوید که باید آن‌ها را به روشی جدید برنامه‌ریزی و طراحی کنیم. [20] چیدمان فضایی عبارت است از به‌کارگیری متغیرهای به‌دست‌آمده از تحلیل پیکره‌بندی فضا در شناخت الگوهای هندسی مختلف که به‌واسطه ساختمان‌ها و شهرها به وجود آمده‌اند. "خط محوری" (line length)، طولانی‌ترین خط دسترسی و دید در یک محیط شهری است. نقشه محوری، شامل ساختاری از مجموعه فضاهای باز شهری است که بر اساس طولانی‌ترین خط دید و دسترسی ایجاد شده است. [۱۰] برای تحلیل مورفولوژیکی شهری، اسپیس سینتکس طیفی از پارامترهای فضایی را فراهم می‌آورد. "اتصال" (connection) واضح‌ترین مفهوم در میان پارامترهای تحلیل فضایی اسپیس سینتکس است. مفهوم عینی اتصال به معنی ارتباط فضایی هست. بدین معنا که هر چه مقدار اتصال بیشتر باشد، تعداد ارتباطات موردنظر با دیگر فضاها بیشتر است؛ می‌توان مفهوم کاربری آن را دسترسی بیان نمود. مقدار عددی اتصال بیان‌کننده تعداد دسترسی‌های منتهی به فضای موردنظر است. مفهوم "عمق فضایی" (spatial depth) در ارتباط با فضاها، منطبق بر جدایی‌گزینی یک فضای شهری خاص از کلیت پیکره‌بندی فضایی است. بدین معنا که فضاهایی که دارای مقدار عمق بیشتر هستند، خود را از پیکره‌بندی فضایی جدا می‌نمایند. فضاهایی که در تحلیل اسپیس سینتکس دارای بیشترین مقدار عمق هستند در مطالعات تحلیل فضای اسپیس سینتکس، فضاهای مجزا گشته خوانده می‌شوند. "هم پیوندی" (integration) دیگر پارامتر مورد استفاده است که مطابق با مفهوم انسجام فضایی است و هرچه میزان آن بیشتر باشد به معنای آن است که یکپارچگی بیشتری بین فضای موردبررسی و دیگر فضاها وجود دارد و همچنین بیان‌کننده میزان دسترسی نیز هست و هم پیوندی بیشتر به معنای این است که میزان دسترسی بیشتری را دارا است. [۱۱] درواقع هر چه میزان هم پیوندی یک خیابان بالاتر باشد، پتانسیل حرکت عابر پیاده در آن بیشتر و در نتیجه استفاده از آن فضا برای استفاده‌کنندگان بیشتر خواهد بود. [۲۱]. شاخصه دیگری که وجود دارد "انتخاب" (choice) هست. که این شاخصه برای یک گره هنگامی زیاد هست که کوتاه‌ترین مسیرهای موجود بین هر دو گره در سیستم از گره موردنظر عبور کند. به عبارت دیگر اگر احتمال استفاده از فضایی در طی کردن کوتاه‌ترین مسیرهای موجود بین هر دو فضای احتمالی در کل سیستم شهری زیاد باشد، آنگاه مقدار انتخاب این فضا بیشتر هست. فضاهایی که میزان انتخاب در آن‌ها بالا می‌باشند معمولاً فضاهایی را نشان می‌دهند که برای رسیدن به هم پیوندترین فضاها احتمال دارد بیشتر مورد استفاده قرار گیرند. مطالعات مختلفی از وجود همبستگی بین مقدار انتخاب و حرکت عابر پیاده و یا مکان‌یابی کاربری‌های تجاری خبر می‌دهد. [۲۲] "کنترل فضایی" (control) شاخص دیگری است که میزان کنترل بر هر فضا و تطبیق‌پذیری فضایی را نشان می‌دهد و به‌نوعی با انعطاف‌پذیری فضایی و بازده عملکردی فضا رابطه مستقیمی دارد. [۲۳]

۳-۲- تعریف محله

در رابطه با محله تعریف دقیق و موردتوافقی وجود ندارد و این در حالی است که محله مفهومی است که در قرن‌ها پیش شکل گرفته و برای مردم به راحتی قابل درک است اما تعریف و بیان مفهوم آن صورتی متغیر و پیچیده به خود می‌گیرد و بدین ترتیب تعاریف متعددی از آن وجود دارد: کلمه محله هم به حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند اشاره دارد. [۲۴] محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی در ایران سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه‌ای خاص است. جامعه شهری رنگ گرفته از نظام عشیره‌ای، در روند شکل‌گیری خود مجموعه‌هایی را ایجاد کرد که به محله معروف



شدند. (کدیور، کلانتری، حاتمی) مفهوم محله شهری در برخورد نخست تداعی کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر است که دارای کاربری در درجه نخست مسکونی و آنگاه انواع دیگر از کاربری‌های اداری، تجاری، خدماتی، و مانند آن است. [۲۵] منطقه بسیار کوچکی که در داخل آن مردم به دلیل آشنایی با یکدیگر در همسایگی هم زندگی می‌کنند، محله نام دارد. [۲۶] در ادبیات جهانی تعاریف زیاد و متنوعی برای محله ارائه شده است؛ اصطلاح محله به یک محدوده جغرافیایی از شهر اطلاق می‌شود، که گروهی از شهروندان را در خود جای می‌دهد و از پاره‌ای جهات از سایر قسمت‌های شهر متمایز است. [۲۷] محله در واقع بخشی از سازمان فضایی شهر است که تعاملات اجتماعی افراد به صورت رودررو رخ می‌دهد و با عواملی مانند تعریف محدوده‌های مشخص، برداشت‌های ساکنان از محله، ابعاد عملکردی و ارائه خدمات مورد نیاز ساکنین تعریف می‌گردد. [۲۸] محله مفهومی کالبدی-محتوایی است که هدف آن در شهرسازی کهن ایران و الگوهای معاصر جایگزین یکسان بوده و تفاوت در نحوه شکل‌گیری و زمان آن، موجب بروز تمایز میان این دو شده است. بدین ترتیب که شکل‌گیری تدریجی محله در نظام سنتی ایران که با مشارکت ساکنین همراه بوده، سبب القای معانی ارزشمند فرهنگی-تاریخی و هویتی به محله شده که الگوهای از پیش طراحی شده معاصر برای دستیابی به آن‌ها تلاش می‌کنند که این برنامه‌ریزی و تلاش گاهی موفقیت‌آمیز بوده و گاه با شکست روبرو شده است. [۲۹] بررسی مفهوم محله در ایران نشان‌دهنده آن است که محله دارای پایداری و ماندگاری در طول تاریخ شهرنشینی ایران تا دوره معاصر بوده است و از دوره پهلوی به بعد بانفوذ فرهنگ شهرسازی غرب نقش مهم اجتماعی/کالبدی خود را از دست داده است. محله سنتی ایران بر اثر همبستگی و یکپارچگی اجتماعی قوی بین ساکنین که دارای ارزش‌های مشترک بودند، ایجاد می‌شد و زمینه‌ای برای حمایت ساکنین از شرایط جمعی فراهم می‌نمود، و از این طریق باعث تقویت روحیه همکاری و تعاون و روابط همسایگی می‌شد. بنابراین محله سکونتگاه مناسبی برای گروه‌های اجتماعی مختلف مردم با خاستگاه‌های متفاوت بود. [۷] محله به عنوان یک واحد اصلی روابط اجتماعی در شهرهای قدیمی ایرانی بوده که از اجزاء اصلی و فرعی تشکیل شده و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است. مفهوم محله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاهی ویژه می‌یابد که با القای هویت به آن می‌توان حس تعلق به مکان و به نوعی حس جا و هویت شهروندان را تقویت نمود. [۳۰]

۳-۳- قلمروپایی

قلمروپایی روشی است برای تنظیم حریم بین خود و دیگران که با شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شی و تعلق آن به یک فرد یا یک گروه بیان می‌شود. [۵] قلمرو مکانی فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد درمی‌آید. [۲] بدین ترتیب قلمرو مکانی شامل ویژگی‌های زیر است: ۱. احساس مالکیت و حق انسان نسبت به یک مکان ۲. شخصی‌سازی و نشانه‌گذاری یک محوطه ۳. حق دفاع در مقابل مزاحمت ۴. تأمین کارکردهایی که از نیازهای فیزیولوژیک تا نیازهای شناختی را شامل می‌شود. [۵]

قلمروپایی در انسان‌ها و حیوانات هر دو وجود دارد اما روش نمود آن‌ها متفاوت است. قلمروهای انسانی از جهت اندازه و مکان تفاوت‌های زیادی دارند، نه تنها مفهومی مکانی بلکه محصول ساخته‌ها و انگاره‌های انسان هستند و با دامنه وسیعی از موانع فیزیکی و نشانه‌های نمادین علامت‌گذاری می‌شوند. انسان قلمروهای مکانی بیشتری دارد و از راه‌های مختلفی از آن‌ها محافظت می‌کند. [۲] رفتار قلمروپایی یکی از شروط ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری است. قلمروگرایی یا به عبارتی داشتن رفتار قلمروپایی به عنوان یکی از ابعاد اجتماعی فضاهای شهری تأثیر زیادی در نوع رفتار شهروندان در فضاهای عمومی شهری دارد. قلمروپایی یکی از ابعاد اجتماعی فضاهای شهری است. کیفیت و نحوه روی دادن آن با کیفیت فضاهای عمومی شهری مرتبط است. [۱۶]

تأمین خلوت و کنترل قلمرو مکانی در طراحی محیط اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بعضی از نیازهای اساسی انسان از قبیل هویت، انگیزش و امنیت از این طریق قابل ارضا هستند. قلمرو مکانی نه تنها تأمین‌کننده خلوت بلکه تثبیت‌کننده روابط



اجتماعی است و زندگی ما در نظامی از تعاریف قلمروها سپری می‌شود. [۲] قلمروگرایی مفهومی است که نشان‌دهنده میزان رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از فضا و در ارتباط با ایجاد امنیت در فضای شهری و محله‌ای است. از این‌رو، تحقق آن می‌تواند زمینه‌ساز حضور فعال افراد در فضای شهری باشد. حس قلمرو و مالکیت بر فضا زمینه نظارت بر فضا را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب این مفهوم در دو بعد محتوایی و کالبدی قابل‌بررسی است. [۱۸] در یک محله می‌توان با فراهم آوردن امکانات شخصی‌سازی و بسترسازی جهت مشارکت مردمی، رقابت تبدیل به مشارکت شده و انگیزه‌های معطوف به قدرت به حس مسئولیت‌پذیری تبدیل می‌گردد. [۳۱]

در بافت‌های سنتی معماری ایران، حس قلمروپایی به میزانی زیاد بوده که حتی افراد را به نام محله‌اش می‌شناختند و آن محله جزئی از شخصیت و هویت افراد بوده است و بدین گونه امنیت بیشتری در محله برقرار می‌شده است؛ زیرا افراد آن محله یکدیگر را می‌شناختند و افراد غریبه به راحتی در بینشان شناسایی می‌گشته است. از نمودهای دیگر قلمروپایی در محله، عرق محله و هم‌محله‌ای بودن بود که همیاری و همدلی و امنیت را برای محله و اعضای آن محله فراهم می‌آورد. این حس تعلق داشتن به گروه یا جامعه خاص و در نتیجه ایجاد رفتار قلمروپایی که در گذشته به عنوان محله نمود می‌یافته، قسمتی از نیازهای درونی فرد را تأمین و شکوفا می‌کند که در هرم مازلو نیز به عنوان هویت ذکر شده‌اند. آنچه در این مقاله در تلاش هستیم یافتن نحوه ترکیب توده و فضا و ساختارهای فضایی در بافت‌های سنتی به منظور چگونگی ارتباطات آن‌ها با برانگیختن رفتار قلمروپایی است.

۴- روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و در ابتدا از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با بررسی و مطالعه کتب و مقالات، اطلاعات موردنظر جمع‌آوری شد و سپس نقشه محوری مکان‌های موردنظر از طریق نرم‌افزار depth map که بر اساس تکنیک نحو فضا (اسپیس سینتکس) طراحی شده است، بارگذاری شده و با استفاده از پارامترهای نحو فضا مانند میزان هم پیوندی (integration)، عمق فضایی (spatial depth)، حرکت طبیعی (choice)، اتصال‌پذیری (connection) و کنترل (control) به بررسی محلات می‌پردازیم و شاخصه‌ی قلمروپایی را با استفاده از آن‌ها تحلیل می‌کنیم.

۵- معرفی نمونه موردی

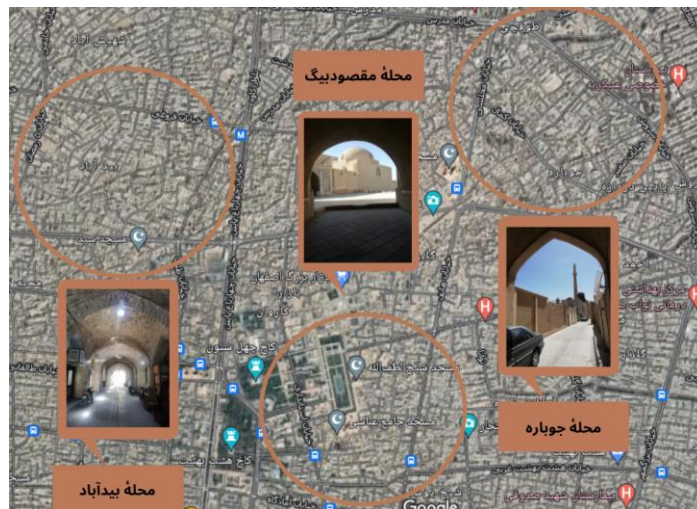
برای بررسی و تحلیل قلمروپایی در بافت‌های تاریخی و شکل‌گیری اهداف مقاله سه مرکز محله در شهر اصفهان که تا حدی در طول سال‌ها کمتر دچار تغییر و تحول گشته‌اند، انتخاب شده است (تصویر ۱). محله جویباره در نزدیکی میدان کهنه است که از هسته‌های اصلی بافت کهن اصفهان و باقی‌مانده از دوران سلجوقی است. این محور یکی از محورهای دسترسی مرکز شهر سلجوقی به دروازه اصفهان قدیم بوده و از لحاظ قدمت از قدیمی‌ترین محورهای موجود است. محله جویباره اصلی‌ترین هسته اولیه شهر اصفهان است که منشأ آن به اوایل حکومت هخامنشی و مهاجرت یهودیان بابل به دستور کوروش برمی‌گردد. نقطه‌ای که یهودیان در آن رحل اقامت افکندند تا قرن پنج هجری به دارالیهود معروف بوده است. اما بعدها تغییر نام داد و به جهان باره و جویباره معروف شد. جویباره در دوره‌های بعد از اسلام یکی از محله‌های شهر اصفهان شد و در دوران سلجوقی مرکزیتی برای شهر پیدا کرد که وجود آثار تاریخی کهن همچون مناره ساربان و مناره چهل‌دختران روشنگر این موضوع است. [۳۲]

محله بید آباد یکی از محلات قدیمی (قرن ۵۴۰ ه.ج) شهر اصفهان واقع در منطقه یک شهرداری اصفهان، شمال زاینده‌رود و غرب خیابان چهارباغ عباسی هست. از لحاظ موقعیت قرارگیری، این محور بر اصلی‌ترین محور مصنوعی اصفهان (چهارباغ) عمود است و در امتداد محور عبدالرزاق (منتهی به عنصر تاریخی دوره سلجوقی) واقع است. وجود عناصری همچون حمام و مسجد و بازارچه علی‌قلی آقا در شمال محور مذکور که در حال حاضر نیز به عنوان یک مرکز محله فعال عمل می‌کند و همچنین



استقرار عناصر قوی همچون بازارچه بید آباد و مسجد سید و مسجد رحیم خان و بازارچه‌های دیگر، این محله را به‌عنوان نمونه‌ای مناسب جهت بررسی و تحلیل تبدیل کرده است.

محله مقصود بیگ، محدود در بین بازارچه حسن‌آباد از شرق، خیابان فرشادی از جنوب و خیابان استانداری از غرب هست که از جمله قدیمی‌ترین محلات شهر اصفهان بشمار می‌رود. وجود عناصر ارزشمندی نظیر بازارچه حسن‌آباد و چهارسوق مقصود، کاروانسرای مقصود بیگ و نخجوانی‌ها، سرای رحیمه خاتون، سرای قالیباف‌ها، تعداد بسیار منازل تاریخی، مساجد و مدارس علمیه تاریخی، گذر سرپوشیده قدیمی معروف به کوچه تاریکی و تغییرات حداقلی محله از گذشته تا به امروز این محله را مناسب انتخاب گردانیده است. [۳۲]



شکل ۱: مکان‌یابی محله‌های انتخاب‌شده در نقشه اصفهان

۶- بحث و یافته‌ها

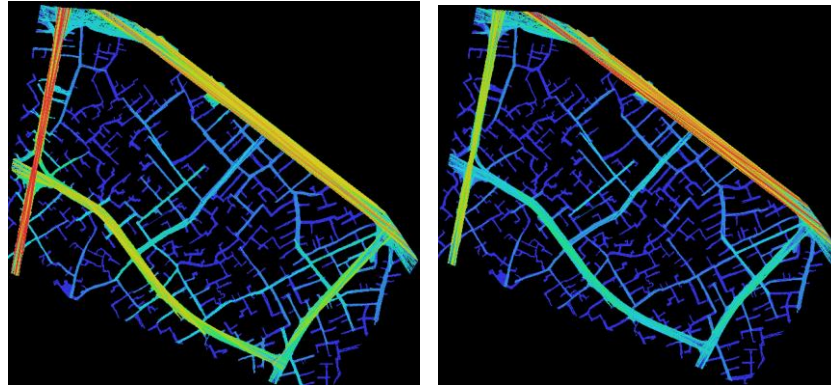
در نقشه‌های شاخصه‌های اسپیس سینتکس، از طیف رنگی قرمز برای بیشترین میزان، به رنگ آبی برای نشان دادن کمترین میزان از شاخص استفاده می‌گردد. (حتی در نقشه‌های مربوط به شاخصه عمق نیز رنگ‌های قرمز بیشترین میزان عمق را نشان می‌دهد).

۶-۱- محله جویباره

در محله جویباره به مرکزیت منار ساربان، قسمتی از کل محله مورد تحلیل قرار گرفته، در این بخش طول خطوط محوری به‌جز در خیابان‌های اصلی، دارای میزان کمی است (به رنگ آبی هستند) که نشان‌دهنده شکست‌هایی در مسیر رسیدن به فضاهای خصوصی‌تر است و علاوه بر ایجاد سلسله‌مراتب، نتیجه نحوه قرارگیری خانه‌ها و شکل‌گیری طبیعی گذرها در گذشته بوده است که به‌عنوان یک ویژگی از بافت‌های سنتی است و در نقشه طول خطوط محوری هر سه محله مورد پژوهش نیز مشاهده می‌کنیم. در نقشه اتصال‌پذیری محله جویباره، اتصال‌پذیری بالا را در محورهای اصلی گرداگرد محله و سپس خیابان صاحب‌الزمان که دو خیابان شمالی به جنوبی را متصل می‌کند و از وسط محله می‌گذرد داراست و بقیه محله با میزان کمتری اتصال‌پذیری قسمت‌های مسکونی را به‌دوراز هیاهوی رفت‌وآمد و در فضایی خصوصی‌تر و غیرقابل‌دسترس‌تر قرار داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود؛ سلسله‌مراتب فضایی از خیابان‌های با اتصال‌پذیری بیشتر به کوچه‌هایی با اتصال‌پذیری کمتر شکل گرفته که همین سلسله‌مراتب فضایی از نکات مهم ایجاد خلوت و فضای خصوصی‌تر برای قسمت‌های مسکونی می‌شود و موجبات ایجاد احساس تعلق خاطر بیشتری را فراهم می‌دارد و در نتیجه به ایجاد حس قلمرو نسبت به اطراف خانه خود در

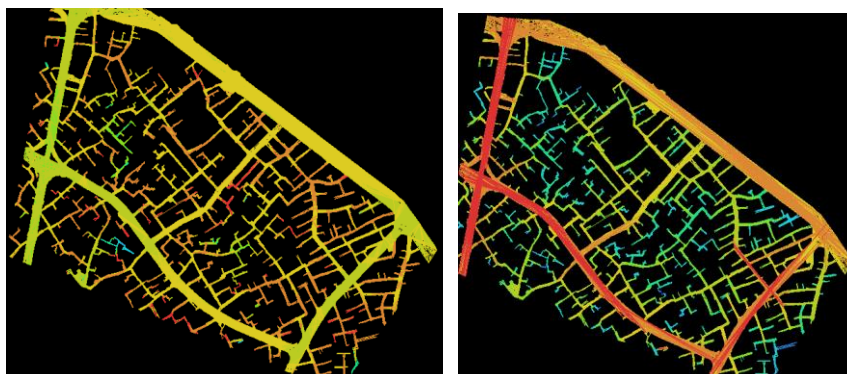


ساکنین، منجر می گردد. (شکل ۲) زیرا در فضاهای مسکونی لزومی مبنی بر دسترسی و اتصال زیاد وجود ندارد؛ بلکه اگر اتصال زیاد رخ بدهد، خلوت و آرامش سکونت از بین خواهد رفت؛ موردی که در طراحی های مدرن کاملاً نادیده گرفته می شود.



شکل ۲: سمت راست: طول خطوط محوری (line length) در محله جویباره
سمت چپ: اتصال پذیری (connectivity) در محله جویباره

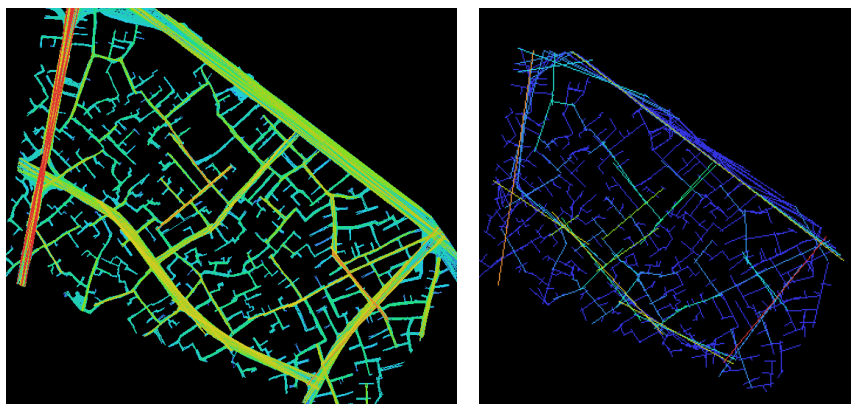
در بررسی نقشه های هم پیوندی و عمق محله جویباره، محورهای اصلی دورتادور بیشترین هم پیوندی و کمترین عمق را دارا هستند و در قسمت های مرکزی که فضاهای مسکونی قرار دارند هم پیوندی کم و عمق زیادتری را مشاهده می کنیم. باینکه بالا بودن میزان هم پیوندی نشان از عجین شدن فضا با شهر و هم حضوری بیشتر مردم است، اما در قسمت های خصوصی تر محله ها نیازی به هم حضوری فعال نیست و این عمق بیشتر، فضا را خصوصی تر می کند. این موضوع در بافت ها بسیار مورد استفاده قرار می گرفته است و این عمق برای ساکنین امنیت و آرامش به ارمغان می آورده است، شاخصه هایی که امروزه از زندگی ها دریغ شده است و با گذرهای عریض برای عبور ماشین و یکدست شدن خیابان های اصلی و فرعی، با وجود اینکه باعث افزایش میزان هم پیوندی می شوند، اما این سلسله مراتب عمقی را از بین می برند. عمق بیشتر به معنای افزایش سلسله مراتب بیشتر برای رسیدن به یک فضا است که همین موضوع باعث می شده؛ فقط افراد ساکن در یک بن بست مسکونی یا یک گذر، از آن عبور کرده و در نتیجه آن فضا را جزئی از فضای مسکونی خود می دانستند که افراد غریبه در حالت عادی حق ورود به آنجا را ندارند و در صورت وارد شدن به آن فضا به گونه ای وارد حریم آن ها می شوند و این موضوع هم ساکن و هم عابر را دچار احساس نامطلوبی می کند. (شکل ۳)



شکل ۳: سمت راست: هم پیوندی (integration) در محله جویباره
سمت چپ: عمق فضایی (spatial depth) در محله جویباره



با بررسی نقشه حرکت طبیعی، خیابان‌های گرداگرد محله بیشترین میزان حرکت طبیعی را دارا هستند و در واقعیت و مشاهدات هم به همین صورت است. در داخل بافت به دلیل شکست‌های گذرها و بن‌بست بودن، از آن‌ها برای رسیدن از مبدأ به مقصدی استفاده نمی‌کنند که این موضوع هم همانند شاخصه‌های دیگر تأکید زیادی بر خصوصی نگه‌داشتن فضاهای مسکونی است که نتیجه آن آرامش، سکوت و القای حس قلمروپایی، شخصی‌سازی و... خواهد شد. در نقشه کنترل فضایی نیز میزان کنترل در گذرهای اصلی به میزان قابل‌توجهی است. کنترل در گذرهایی داخل بافت هم میزان چشم‌گیری دارد که گذرهای اصلی بافت بوده‌اند ولی در مابقی قسمت‌های بافت همچنان از میزان کمی از شاخصه کنترل نیز همراه هستیم که بیانگر انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری کمتر قسمت‌های مسکونی است. درواقع فضای خصوصی سکونت‌نیازی به منعطف بودن و یا تطبیق‌پذیر بودن برای رفتارهای دیگر ندارد و فقط لازم بوده قسمت‌های مسکونی را به گذرهای اصلی مرتبط می‌کرده و اتفاقات اجتماعی در گذرهای اصلی رخ می‌داده است. (شکل ۴)



شکل ۴: سمت راست: حرکت طبیعی (choice) در محله جویباره

سمت چپ: کنترل فضایی (control) در محله جویباره

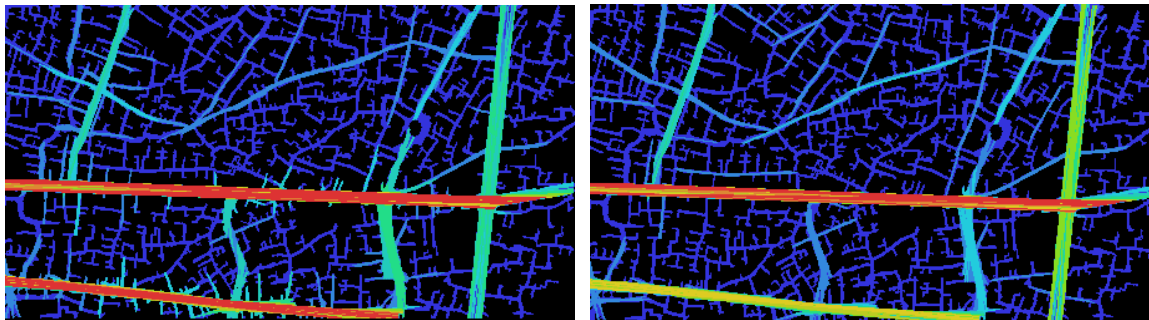
جدول ۱: تحلیل پارامترهای اسپیس سینتکس در محله جویباره و مقایسه آن‌ها

	Line lengh خط محوری	Connectivit y اتصال‌پذیری	integration هم پیوندی	Spatial depth عمق فضایی	choice حرکت طبیعی	control کنترل فضایی
Minimum	۰,۱۷	۲	۱,۵۳	۱,۷۴	۰	۰,۰۱۳
Average	۸۶,۳۷	۲۱۹,۱۵	۴,۰۱	۳,۳۴	۱۳۱۵۳,۶	۰,۹۹۹
Maximum	۱۲۲۷	۱۸۴۴	۵,۹۴	۳,۹۳	۴,۱۲۴۶۲e ۰۰۶+	۳,۷۷

در محله بید آباد قوی‌ترین میزان شاخصه‌های طول خطوط محوری، اتصال‌پذیری، هم پیوندی، حرکت طبیعی و کنترل فضایی است و همچنین کمترین عمق در خیابان مسجد سید قرار دارد که جنوب محله علی‌قلی آقا است. بافت این محله نسبت به محله جویباره یکدست‌تر و فشرده‌تر است و حاکی از تغییرات کمتر آن در طول زمان است. همان‌طور که در نقشه‌های این محله می‌توان مشاهده کرد، خیابان‌های دورتادور محله دارای بیشترین میزان شاخصه‌ها (به‌جز عمق که کمترین میزان عمق را دارند) هستند و پس از آن‌ها گذرهایی را در درون بافت می‌بینیم که به‌صورت گذرهای اصلی قسمت‌های متفاوت محله را به هم متصل نموده‌اند. این خیابان‌ها حدود و شکل طبیعی خود را حفظ کرده‌اند و فقط میزانی عریض‌تر گشته‌اند. در این محله نیز همانند محله جویباره سلسله‌مراتب فضایی که شکل‌دهنده شاخصه عمق هستند، به‌گونه‌ای تعریف شده‌اند که فضاهای

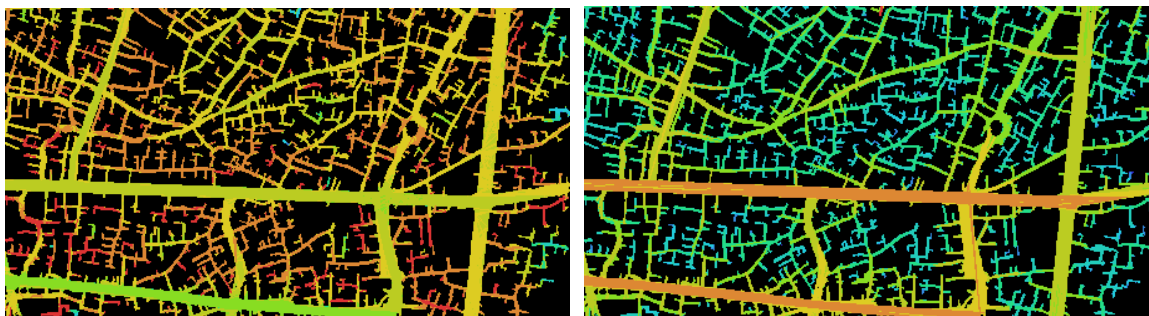


مسکونی در بن‌بست‌هایی با عمق بسیار بالا و هم پیوندی بسیار کمی قرار بگیرند و در گذرهای اصلی برعکس این اتفاق بیفتد که در نتیجه آن القای حس فضای خصوصی و شخصی‌سازی، افزایش حریم و امنیت در قسمت‌های مسکونی و در نهایت افزایش حس قلمروپایی هست و این در حالی است که در گذرهای اصلی که شامل بازار و اطراف مسجد و حمام و ... می‌شوند با افزایش میزان شاخصه‌ها و کاهش عمق، شاهد افزایش روابط اجتماعی هستیم. میزان طول خطوط محوری نیز درون محله بسیار پایین است (همانند محله جویباره) که نتیجه شکست‌های بی‌شمار در گذرها است. در هنگام اولین تجربه عبور از کوچه‌ها در بافت‌های سنتی ایرانی، به دلیل همین شکست‌ها و همین خطوط محوری کوتاه، شما قادر به تشخیص نخواهید بود که چه اتفاقی در پس آن پیچ خواهد افتاد و این احساس ترس را بر فرد غریبه‌ای که وارد محله می‌شود، القا می‌کند. این موضوع که برای افزایش خصوصی بودن فضا است، حالت تدافعی نیز دارد و برای امنیت روش مناسبی بوده که از طریق توده و فضا انجام می‌گرفته است. با نبود اتصال‌پذیری و حرکت طبیعی نیز از ورود افرادی که فقط به‌عنوان مسیر از گذرهای مسکونی عبور می‌کردند جلوگیری می‌شده است. بنابراین محله فقط برای افراد آن محله شناس بوده و تنها توسط آن‌ها رفت‌وآمد صورت می‌گرفته است که این موضوع حس قلمروپایی نسبت به محله را به میزان قابل‌توجهی افزایش می‌داده است، به میزانی که عضو محله‌ای بودن؛ بسان هویت برای شخص بدل می‌گشته و اگر به محله‌ای دیگر وارد می‌شده است، با بیان اینکه به کدام محله تعلق دارد هویت خود را مشخص می‌نموده‌اند. کنترل فضایی نیز در داخل محله به‌جز در گذرهای اصلی، در مابقی فضاها میزان بسیار کمی است که تمایز زون‌های فضاهای اجتماعی و کاربری‌هایی که با جمعیت در ارتباط‌اند را با زون‌های مسکونی نشان می‌دهد.



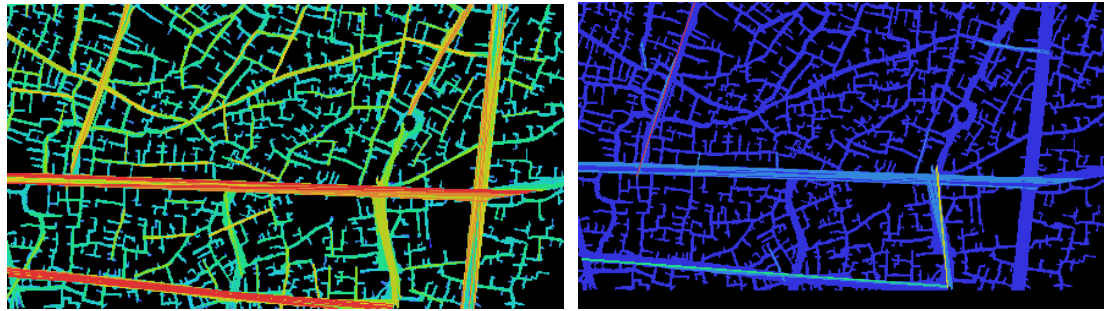
شکل ۵: سمت راست: طول خطوط محوری (line length) در محله بید آباد

سمت چپ: اتصال‌پذیری (connectivity) در محله بید آباد



شکل ۶: سمت راست: هم پیوندی (integration) در محله بید آباد

سمت چپ: عمق فضایی (spatial depth) در محله بید آباد



شکل ۷: سمت راست: حرکت طبیعی (choice) در محله بید آباد

سمت چپ: کنترل فضایی (control) در محله بید آباد

جدول ۲: تحلیل پارامترهای اسپیس سینتکس در محله بید آباد و مقایسه آن‌ها

	Line length خط محوری	Connectivity اتصال پذیری	integration هم پیوندی	Spatial depth عمق فضایی	choice حرکت طبیعی	control کنترل فضایی
Minimum	۰,۲۵	۲	۱,۱۸	۱,۸۲	۰	۰,۰۱۱
Average	۱۰۰,۶۶	۴۴۷,۲۴	۴,۳۷	۳,۳۳	۲۶۷۷۹,۴	۱
Maximum	۱۹۲۷	۵۹۳۶	۸,۰۶	۳,۹۶	e+۰۰۷ ۱۵۵۱۷۶	۴,۲۰

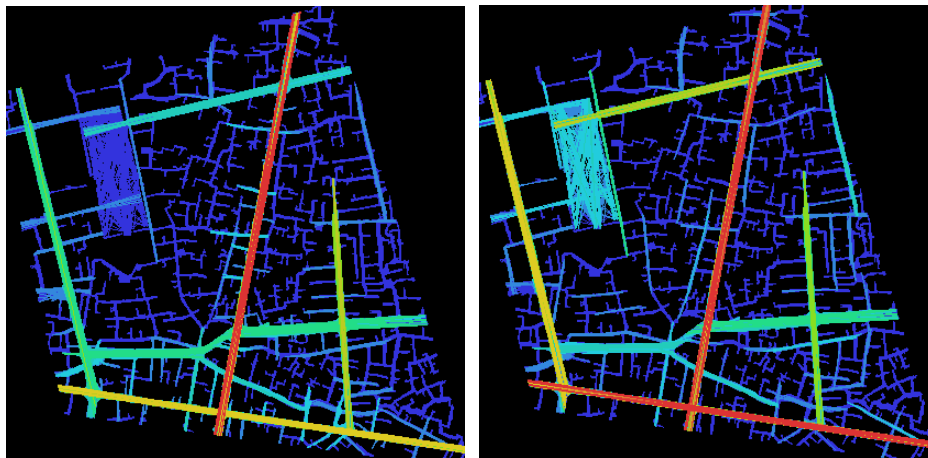
در محله مقصود بیگ نیز همانند دو محله دیگر، بیشترین میزان شاخصه‌ها (به جز شاخصه عمق که کمترین میزان هست) را در خیابان‌های اصلی که اکثراً جدیدالاحداث هستند مشاهده می‌کنیم که این موضوع در هر سه محله میزان شاخصه‌ها را در گذرهای اصلی خود بافت تضعیف کرده‌اند و به این معناست که گذرهای درون بافت‌ها که در گذشته مسیر عبور، بازار، اتصال، برقراری روابط اجتماعی، چشم در چشم شدن و در کل هم پیوندی بیشتر بودند (عمق کمتر)، امروزه با خیابان‌های جدید جایگزین شده‌اند و این امر باعث متروک شدن بافت‌ها گردیده‌اند و به نوعی باعث انفصال و جدایی بافت از دیگر قسمت‌های شهری شده است. درواقع سلسله‌مراتب و فضای خصوصی ایجادشده در بستر بافت دیروز که باعث امنیت و افزایش قلمروپایی می‌گشته، با به هم ریخته شدن نظم حاکم بر سلسله‌مراتب‌ها و کاهش جمعیت و هم پیوندی در گذرهای اصلی محله، تبدیل به محلی ناامن و پاتوقی برای رفتارهای نابهنجار شده‌اند. این موضوع باعث از دست رفتن بخش زیادی از کیفیات محلی شده و در نهایت منجر به متروک شدن محله‌های بافت، که با افزایش جرم، کاهش امنیت، کاهش ارزش‌گذاری‌های ملکی و بسیاری از موارد دیگر همراه است، خواهد شد. امروزه با متروک شدن بناها در بافت‌ها، میزان کنترلی که افراد در هر بن‌بست مسکونی و در هر محله داشته‌اند، کاهش پیدا کرده و با کاهش این عامل، امنیت تضعیف و به دنبال آن شکل‌گیری اتفاقات نابهنجار در محله افزایش داشته است. همان‌گونه که یگانه و دیگران بیان نموده‌اند میزان رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارهایی که توسط آن‌ها شهروندان، فضای عمومی شهری را مطلوب یا باکیفیت می‌دانند، تأثیر متقابل دارند. [۱۶] بنابراین در وضعیت کنونی میزان قلمروپایی در بافت‌ها نسبت به گذشته کاهش یافته است و کاهش قلمروپایی نیز دوباره در وضعیت محله تأثیر منفی می‌گذارد و این چرخه ادامه خواهد داشت.

گذرهایی که خصوصی‌تر می‌شوند دارای عرض کمتری نسبت به گذرهای اصلی هستند و در بافت این گذرهای فرعی و خصوصی گاهی به میزان عبور یک یا دو شخص در کنار هم هستند. این موضوع فضا را به میزان زیادی خصوصی می‌گرداند و از جنبه امنیت نیز کارکرد بهتری داشته است. همچنین میزان نزدیک شدن حریم شخصی افراد به یکدیگر در این گذرها بسیار زیاد بوده است؛ زیرا برای عبور از کنار یکدیگر وارد حریم امن و خصوصی یکدیگر می‌شده‌اند که این امر باعث ارتباط

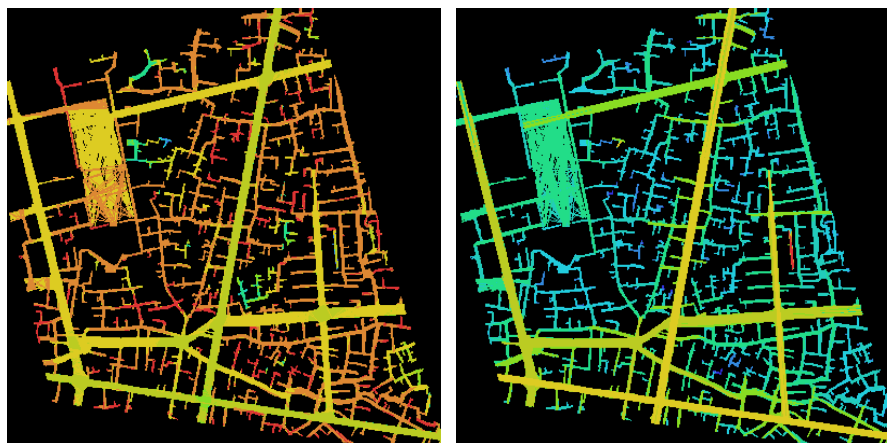


صمیمانه‌تر با اشخاص آشنا و برقراری روابط اجتماعی با آن‌ها و تدافعی‌تر در مقابل افراد غریبه می‌گردیده است. بنابراین زون‌های مسکونی که هر کدام شامل چندین واحد مسکونی و چندین خانوار بوده‌اند، هر روز حتی با ارتباطات غیرکلامی نزدیک و چشم در چشم شدن از کنار یکدیگر می‌گذشتند. بدین نحو جامعه‌ای بزرگ‌تر متشکل از چند خانوار را شکل می‌دادند و وقتی این زون‌های مکانی و اجتماعی وارد فضای اجتماعی محله می‌شدند، راحت‌تر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند؛ به‌عنوان چندین کمون که یک کل واحد را ایجاد می‌کنند.

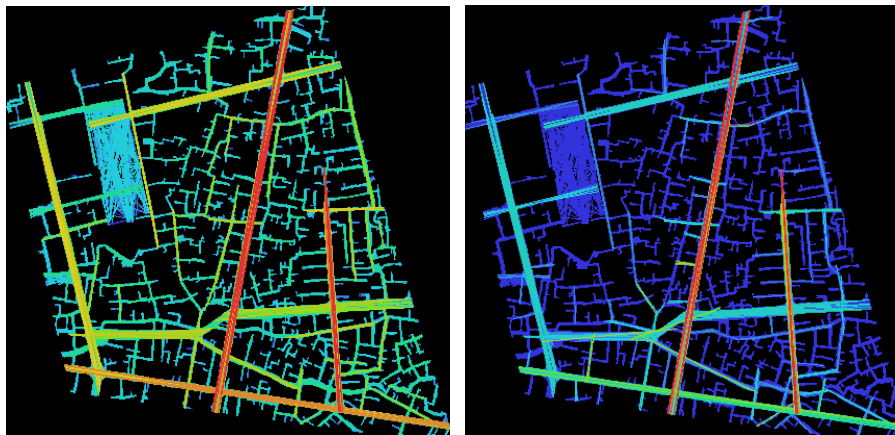
توجه به این نکته حائز اهمیت است که در گذشته سلسله‌مراتب محلات، از مرکز محله به اطراف روبه کاهش بوده است اما با خیابان‌کشی‌های مدرن این سلسله‌مراتب از بیرون و اطراف محله به سمت داخل است که دلیل انزوا و طردشدگی فضاهای بافت را مشخص می‌کند.



شکل ۸: سمت راست: طول خطوط محوری (line length) در محله مقصود بیک
سمت چپ: اتصال‌پذیری (connectivity) در محله مقصود بیک



شکل ۹: سمت راست: هم‌پیوندی (integration) در محله مقصود بیک
سمت چپ: عمق فضایی (spatial depth) در محله مقصود بیک



شکل ۱۰: سمت راست: حرکت طبیعی (choice) در محله مقصود بیک
سمت چپ: کنترل فضایی (control) در محله مقصود بیک

جدول ۲: تحلیل پارامترهای اسپیس سینتکس در محله مقصود بیک و مقایسه آن‌ها

	Line length خط محوری	Connectivity اتصال پذیری	integration هم پیوندی	Spatial depth عمق فضایی	choice حرکت طبیعی	control کنترل فضایی
Minimum	۰,۴۷	۲	۱,۴۰	۱,۵	۰	۰,۰۰۲
Average	۱۳۵,۵۰	۵۱۵,۴۳	۴,۶۱	۳,۳۳	۳۴۳۶۶	۱
Maximum	۱۵۹۴,۸۲	۵۶۴۲	۹,۵۲	۳,۹۶	۲۱۱۶۹۷e +۰۰۶	۴,۴۲

۷- نتیجه گیری

قلمروپایی یک روش برای حفظ حریم خود با دیگران است که با احساس مالکیت و تعلق و شخصی سازی و نشانه گذاری همراه است و فرد حق دفاع در مقابل عوامل مزاحمت را در خود احساس می کند. قلمروپایی در صورت برآورده شدن، برخی از نیازهای اساسی انسان همانند هویت، امنیت، خلوت، کنترل، وابستگی و... را ارضا می نماید. بنابراین اهمیت آن بسیار زیاد است. اما امروزه نه تنها به این موضوع توجه نمی شود بلکه با ایجاد خیابان کشی های شطرنجی و بدون بررسی های لازمه، قلمروپایی را در محله های سنتی نیز از بین می برند. در نقشه های شاخصه های سه محله بررسی شده دیدیم که سلسله مراتبی فکر شده برای برآورده کردن قلمروپایی و به تبع آن نیازهای دیگر وابسته به آن ایجاد شده است. سلسله مراتبی که از گذرهای اصلی محلی با میزان هم پیوندی، طول خطوط محوری، کنترل فضایی، اتصال پذیری و حرکت طبیعی بیشتر و عمق کمتر به فضاهایی باهم پیوندی، طول خطوط محوری، کنترل فضایی، اتصال پذیری و حرکت طبیعی کمتر و عمق بیشتر حرکت می کردند که فضاهای مسکونی را شامل می شدند. بنابراین قسمت های مسکونی محله دارای فضایی خصوصی ناشی از سلسله مراتب سیستماتیک توده و فضایی است که حس تعلق و قلمرو را تقویت نموده و امکان شخصی سازی و نشانه گذاری را به ساکنین می دهد. با خیابان های عریض جدیدالاحداث، سلسله مراتب اصلی و درونی بافت ها تغییر و دچار مشکل گردیده است؛ زیرا خیابان های جدیدالاحداث سلسله مراتب جدیدی را تزریق کرده که معکوس بوده و بجای تمرکز بر مرکز محله، تمرکز بر اطراف محله قرار گرفته و درون بافت دچار انزوا شده است که باعث کاهش قلمروپایی گردیده و این کاهش، خود از عوامل متروک شدن بافت ها و نابسامانی در آن ها می شود و این موضوع متقابلاً بر روی قلمروپایی تأثیر گذاشته و چرخه تکرار می شود.



مراجع

- [۱] معین مهر، ص، بنیان‌های حیات پایدار در معماری محله، ۱۳۹۷.
- [۲] لنگ، ج، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- [۳] عابدی، م، جودی، پ، بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، ۱۳۹۴.
- [۴] حبیبی، م، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، هنرهای زیبا ۱۳ (۱)، ۳۲-۳۹، ۱۳۸۲.
- [۵] آلمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی. (علی نمازیان، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- [۶] معتضدیان، ف، مطلبی، ق، قلمروپایی در سکونتگاه‌های دانشجویی (مطالعه موردی: خوابگاه فاطمیه کوی دانشگاه تهران)، هویت شهر، ۱۷ (۱)، ۱۳۹۱.
- [۷] ثقه اسلامی، ع، امین زاده، ب، بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی، هویت شهر، ۱۳ (۱)، ۳۳-۴۵، ۱۳۹۰.
- [8] Jakoby, Karolina. What is Space Syntax? Does the urban form of the city affect the level of burglary and crime?. Séminaire de Master Architectures et villes face à la Mondialisation coord, 2006.
- [9] Hillier, B., Hanson, J, The Social Logic of Space, Cambridge University Press, Cambridge, 1984.
- [۱۰] ایزدی، م، شریفی، ع، ارزیابی طرح کارل فریش بر پیکره‌بندی ساختار فضایی بافت قدیمی شهر همدان (با استفاده از تکنیک چیدمان فضا)، ۳۵ (۳)، ۱۵-۲۶، ۱۳۹۴.
- [۱۱] صادقی، س، قلعه نویی، م، مختار زاده، ص، بررسی تأثیر طرح‌های توسعه شهری معاصر بر ساختار فضایی هسته تاریخی شمال شهر اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۵ (۴)، ۳-۱۲، ۱۳۹۲.
- [۱۲] یزدانفر، ع، موسوی، م، زرگر دقیق، ه، تحلیل ساختار فضایی شهر تبریز در محدوده بارو با استفاده از تکنیک اسپیس سینتکس، نشریه راه و ساختمان، ۶۷، ۵۸-۶۹، ۱۳۸۷.
- [۱۳] زارعی، س، یگانه، م، ارتباط همگنی و توزیع‌پذیری با پایداری روابط اجتماعی در فضاهای خانه‌های سنتی ایران، معماری و شهرسازی پایدار، ۷ (۱)، ۹۹-۱۱۱، ۱۳۹۸.
- [۱۴] جعفری بهمن، محمدعلی و خانیان، م، مشکل یابی طرح‌های جامع از دیدگاه رفتاری و مقایسه آن با وضع موجود به روش چیدمان (Space Syntax)، نمونه موردی محله کبابیان شهر همدان، نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۹ (۲)، ۲۸۵-۲۹۵، ۱۳۹۱.
- [۱۵] کلاتری، س، اخلاصی، الف، اندجی گرمارودی، ع، خلیل بیگی خامنه، الف، تحلیل ارتباط میان ساختار فضایی و رفتار حرکتی کاربران به روش چیدمان فضا (مطالعه موردی: پردیس مرکزی دانشگاه تهران)، فصل‌نامه آمایش محیط، دوره ۱۱، ۴۳ (۴)، ۲۱۵-۲۳۴، ۱۳۹۷.
- [۱۶] یگانه، م، بمانیان، م، عینی فر، ع، انصاری، م، تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان، ۱۳۹۲.
- [۱۷] بمانیان، م، دهقان، ن، زارعی، ز، یگانه، م، تبیین رابطه خوانایی فضا با میزان رفتار قلمروپایی شهروندان در پارک‌های شهری، هویت شهر، دوره ۴، شماره ۴۸، ۵-۲۰، ۱۴۰۰.
- [۱۸] جم، ف، محمدی، م، امنیت زنان و قلمروگرایی در محله‌ای سنتی، نشریه هفت شهر، دوره ۴، شماره ۵۷ و ۵۸ (۲)، ۱-۲۸۸، ۱۳۹۶.
- [۱۹] عینی فر، ع، لطیفی، الف، مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳ (۳)، ۱۷-۲۸، ۱۳۹۰.
- [20] Hilier, B, Stonor, T. SPACE SYNTAX. City Planning Institute of Japan, 25 Jun, 2010.
- [۲۱] بحرینی، ح، تقابن، س، آزمون کاربرد روش چیدمان فضا در طراحی فضاهای سنتی شهری، نشریه هنرهای زیبا، ۴۸ (۳)، ۵-۱۸، ۱۳۹۰.



- [۲۲] ریسمان چیان، الف، بل، س، شناخت کاربردی روش چیدمان فضا در درک پیکره‌بندی فضایی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، ۴۳(۳)، ۴۹-۵۶، ۱۳۸۹.
- [۲۳] لطیفی، م، دیبا، د، داده‌کاوی ساختار فضایی مسکن بومی قاجار؛ نمونه موردی: خانه جنگجویان اصفهان، ۱۰(۳)، ۱۶۳-۱۷۱، ۱۳۹۹.
- [۲۴] قاسمی، و، نگینی، س، بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۲، ۱۱۳-۱۳۶، ۱۳۸۹.
- [۲۵] ربانی، ر، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان ۳۴۰ صفحه، ۱۳۸۲.
- [۲۶] لینچ، ک، تئوری شکل شهر، ترجمه محمود یثربی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۶۸۰ صفحه، ۱۳۸۱.
- [۲۷] عبدی، م، مهدی زادگان، س، توسعه درونی شهر، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۸۹.
- [28] Barton, H. Shaping Neighborhoods: A Guide for Health, Sustainability and Vitality. London: Spon Press, 2003.
- [۲۹] حسینی، ف، سلطانی، م، تحلیل تطبیقی مفهوم محله در نظام سنتی شهرهای ایران با الگوهای مشابه (جایگزین) دوره معاصر، ماهنامه باغ نظر، ۱۵(۶۰): ۱۵-۲۸، ۱۳۹۷.
- [۳۰] کدیور، الف، کلانتری خلیل‌آباد، ح، حاتمی نژاد، ح، بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای سنتی ایران بر اساس اصول نوشهرسازی، همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها، کاشان، ۱۳۹۴.
- [۳۱] اسلامی، غ؛ و ایروانی، ه، تراکم ساختمانی و توسعه درون‌زا. هویت شهر، شماره ۳، ۱۲-۳، ۱۳۸۷.
- [۳۲] عباسیان، س، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده محورهای تاریخی شهر اصفهان و تأثیر آن بر توسعه گردشگری، ششمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، ۱۳۹۵.